

# دندان ساییدن نویسندگان بر گره کور کلاف

# ۲۸ مرداد



خواندن کتب مختلف تاریخی از نویسنده‌های گوناگون، نه تنها یک پیشنهاد خوب برای درک روایت‌های مختلف یک مسأله تاریخی است، بلکه یک الزام فکری برای به دست آوردن اطلاعات درست از موضوع‌های مهمی محسوب می‌شود که طبیعتاً ما را به چالش داوری می‌کشند. امروزه با وجود سیطره فضای رسانه‌ای بر زندگی انسان‌ها، جنگ روایت‌ها به پدیده‌ای معمول در زمین منافع قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. بنابراین اکتفا کردن به خواندن دوسه کتاب در هر موضوع تاریخی، احتمال به اشتباه افتادن مخاطب را بسیار بالا می‌برد. در اغلب مسائل تاریخی، ما «مجبوریم» کتب نویسندگان گوناگون را (تا حد امکان از جریان‌های مختلف با نگاه‌های گوناگون) بخوانیم تا شاید کمی خاطر جمع شویم که همه امور اصلی و گوناگون مرتبط با یک حادثه یا موضوع تاریخی، پیش چشممان هستند. اما در مورد «موقعیت‌های ویژه تاریخی»، خواندن کتب متعدد درباره آن‌ها، می‌تواند نتیجه عکس بدهد. یعنی نه تنها مخاطب را با منظرهای مختلف آشنا نمی‌کند، بلکه فقط بر حیرتش می‌افزاید. در این فرصت اندک مجال واکاوی علل این مطلب فراهم نیست، منتها می‌توان در حد اشاره این طور بیان کرد که خواندن کتب متعدد درباره چنین «موقعیت‌های ویژه» ای، ما را دچار سرگردانی می‌کنند چون اصلاً روایتی ارائه نمی‌دهند تا ما با کنار هم قرار دادن و مقایسه آن‌ها، به درکی عمیق‌تر و ذواب‌عزاد ما جراد دست پیدا کنیم. اصولاً هر نویسنده‌ای (هر چه قدر هم فاضل)، توان روایت «موقعیت‌های ویژه» تاریخ را ندارد، زیرا نمی‌تواند حین نگارش متن، خود را از آن برکنار نگاه دارد. آخر نقاط عطف تاریخی، چنان در امروز و اکنون ما حاضرند که به نویسندگان و جریان‌ها اجازه خروج از دایره منافع و ایدئولوژی‌ها را نمی‌دهند و عملاً آنها را به ابزارهایی برای جدال و جدل تبدیل می‌کنند، نه روایت و تشریح.

در تاریخ ما، حتماً کودتای ۲۸ مرداد یکی از مهم‌ترین نمونه‌های چنین موقعیت ویژه‌ای است. هر سخنی پیرامون این روز حساس، در واقع تعیین موضعی سیاسی-اجتماعی و حتی اقتصادی-فرهنگی از طرف نویسنده در رابطه با ایران و انگلیس و امریکاست، بنابراین آنها را در کنجی از یک شبکه پیچیده منافع و ایدئولوژی‌ها گیر می‌اندازد. به همین دلیل، اکثر کتاب‌های موجود در بازار پیرامون ۲۸

مرداد، نه تنها کمکی به فهم مخاطب ایرانی نمی‌کند، بلکه با گرم کردن بازار جدل غیرمنطقی و جدال گفتگومانی، پرده‌ای ضخیم بر ذهن او می‌کشد. در این بازار مغشوش، یکی از معدود نویسندگانی که توانسته خود را تا حدودی برکنار از جنگ نگه دارد و به خود «موقعیت ویژه کودتا» خیره شود، علی رهنماست. در صفحه ۱۳۷ کتاب «پشت پرده کودتا»، او توصیفی از این ماجرا دست می‌دهد که بیانگر وضعیت درست او در نگارش اثر خویش است: «این یک همکاری سه جانبه مخفیانه میان شاه، چرچیل، آیدن و دیگر نمایندگان انگلیس؛ آیزنهاور، جان فوسترد الس و سیا بود. ایران یک صحنه نمایش بود؛ جایی که در آن از یک سوا انگلیس تحقیر شده و غایب، بواسطه شبکه همدستان ایرانی وفادار، ریشه دوانیده و مطلعش دست به عمل می‌زد و از سوی دیگر سازمان جاسوسی نسبتاً جوان و بی تجربه اما ثروتمند و پرشور و اشتیاق امریکایی برای سرنگونی مصدق وارد عمل شده بود.»

در روایت کتب دیگری که به کودتای ۲۸ مرداد پرداخته‌اند، نمی‌توان چنین جامعیتی را پیدا کرد. حتی گاهی نویسنده‌ها تنها روی یکی از رئوس این مثلث تمرکز می‌کنند و مابقی را رها می‌سازند. اما رهنما در کتابش، هر سه این رئوس را بخوبی تحت نظر گرفته و سعی کرده هیچ ضلعی از اضلاع عمل کننده در صحنه کودتا را از دست ندهد. زاویه دید نمایشی او در توجه به این موقعیت ویژه تاریخی، نه فقط در کلیات کتاب مشاهده می‌شود، بلکه حین نزدیک شدن به جزئیات هم بخوبی نمایان است. به عنوان مثال در صفحه ۴۰۸ کتاب، زمانی که می‌خواهد از مرحله آخر کودتا یعنی حمله به خانه مصدق صحبت بکند، همه عناصر صحنه را بخوبی کنار هم می‌چیند: «پس از سقوط ایستگاه پخش رادیو تهران در حدود ساعت ۲:۲۰ بعد از ظهر، برای نیروهای کودتا یک هدف نهایی باقی مانده بود که به سویش روانه شوند. لشکر پرابهتی که منزل مصدق را به محاصره خود درآورده بود متشکل بودند از: اوباش، پرسنل تزییق شده نیروهای پلیس، افراد گارد مسلح گمرک، ارتش، نیروی هوایی و گارد شاهنشاهی، گروه‌هایی از فدائیان شاه، واحدهای تانک و خدمه آن‌ها، دوستان بومی عملیاتی سیا از جمله جلالی و کیوانی، سازمان‌های همدست کودتا مانند «سومکا» متعلق به منشی زاده، «حزب ذوالفقار» متعلق به ملکه اعتضادی، «حزب آریا» متعلق به سپهر، «حزب زحمتکشان» متعلق به بقایی و

«مجمع مسلمانان مجاهد» متعلق به کاشانی و باند پروین آجدان قزی.»

من کتاب دیگری ندیده‌ام که این دسته‌ها را به این خوبی از هم تمایز بخشیده و انگیزه اغلب آنها را هم با توجه به سابقه و بستر رشدشان کاوش کرده باشد. به عنوان مثال، در حالی که نویسندگان کتب دیگر معمولاً سعی می‌کنند احکامی کلی در رابطه با نسبت ارتش شاهنشاهی با کودتا علیه مصدق صادر بکنند، یا حداکثر با تقسیم آن به دودسته طرفداران مصدق و مخالفانش به شرح انگیزه‌های انتزاعی مورد علاقه خود بپردازند، (همانطور که در همین چند خط هم پیداست)، رهنما به جریان‌های مختلف ارتش با دقت ویژه‌ای نگرینسته و سعی کرده (در جاهای دیگر کتاب) چپستی و نقش هر کدام را در آن مقطع با جزئیات به مخاطب بنمایاند. با مثلاً به دقتی که او در ترسیم چهره بازاریان دارد توجه بکنید وقتی در صفحه ۲۴۶ می‌نویسد: «برعکس آنچه عموماً گفته می‌شود، بازیگران اصلی ۲۸ مرداد از اهالی بازار سنتی تهران، واقع در شمال خیابان مولوی نبودند، بازاری که صنعتگران و اصناف مختلفی در آن جای داشتند، بلکه از اهالی بازار میوه، سبزی و گوشت خیابان‌های امین السلطان، باغ فردوس و صاحب جم، واقع در جنوب مولوی بودند. این منطقه قلمرو رشیدیان‌ها بود، حال آنکه صنعتگران و اصناف بازار تهران عمدتاً جزو طرفداران مصدق محسوب می‌شدند.» یا زمانی که بر «شورای جنگ» که هدایت کودتا را بر عهده دارد تمرکز می‌کند، با درک درست تفاوت‌های خاص اعضای آن، به تبیین مسائل بغرنجی موفق می‌شود که در کتب دیگر پاسخی ندارد؛ مانند چگونگی اجرای کودتایی چندین دقیق، تنها سه روز پس

از خنثی سازی کودتای ۲۵ مرداد. با این همه نباید حین خواندن این کتاب با ارزش، از ایدئولوژی حاکم بر ذهن رهنما هم غافل شد و همه روایت او را در بست قبول کرد. اگر از موارد جزئی زیادی که محل تأمل و حتی شک هستند بگذریم، نمی‌توان از دو حفره مهم روایت رهنما در رابطه با دو شخصیت تاریخی گذشت: اول مصدق و دوم کاشانی. رهنما در روایت مصدق، به وضوح در مسیر قهرمان سازی افتاده و حتی بدون پرده پوشی سعی می‌کند با توجیهاتی عوامانه و رمانتیک، اشتباهات فاحش نخست‌وزیر را به عنوان محسنات و فضائل یکتا جا بزند. از آن طرف در برخورد با کاشانی (و نیز دیگر مخالفان مصدق و حتی کل مردم جنوب شهر تهران) نمی‌تواند خشم خود را بیوشاند و با کینه تلاش می‌کند نقاط قوت شخصیتی او (و دیگر مخالفان) را به عنوان رذائل اخلاقی نمایش بدهد. اگر نویسنده در برخورد با این شخصیت‌های مهم تاریخی می‌توانست از نگاه جانبدارانه‌اش دست بکشد و به جای قهرمان سازی یا کاریکاتورسازی از آدم‌ها، از موضع یک روایتگر (و نه قاضی محکمه تاریخ) به آنها نگاه کند، ما با یک کتاب عمیق‌تر و دقیق‌تر از «پشت پرده کودتا» مواجه بودیم، هر چند که همین اثر موجود هم فاصله زیادی با رقبای خویش دارد.



خواندن کتب مختلف تاریخی از نویسنده‌های گوناگون، نه تنها یک پیشنهاد خوب برای درک روایت‌های مختلف یک مسأله تاریخی است، بلکه یک الزام فکری برای به دست آوردن اطلاعات درست از موضوع‌های مهمی محسوب می‌شود که طبیعتاً ما را به چالش داوری می‌کشند.



در روایت کتب دیگری که به کودتای ۲۸ مرداد پرداخته‌اند، نمی‌توان چنین جامعیتی را پیدا کرد. حتی گاهی نویسنده‌ها تنها روی یکی از رئوس این مثلث تمرکز می‌کنند و مابقی را رها می‌سازند. اما رهنما در کتابش، هر سه این رئوس را بخوبی تحت نظر گرفته و سعی کرده هیچ ضلعی از اضلاع عمل کننده در صحنه کودتا را از دست ندهد